

## نقد قرآن پژوهی انتقادی میان رشته‌ای با تأکید بر قرآن مورخان



هفتادو نهمین کرسی آزاداندیشی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با موضوع «نقد قرآن پژوهی انتقادی میان‌رشته‌ای با تأکید بر قرآن مورخان» با تأیید کمیته مرکزی کرسی‌های آزاداندیشی حوزه علمیه در سالن برگزاری جلسات علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تاریخ ۸ بهمن ماه ۱۴۰۲ برگزار گردید.

در این جلسه حجت الاسلام والملسمین عباسعلی برازی یزدی به عنوان ناقد و ارائه‌دهنده و حجت الاسلام محمد رضا پی‌سپار به عنوان دبیر علمی و حجت الاسلام سید مصطفی حسینی رودباری به عنوان داور و جمعی از پژوهشگران عرصه جهان اسلام به صورت حضوری و برخط شرکت داشتند.

حجت‌الاسلام محمد رضا پی‌سپار، دبیر علمی کرسی آزاداندیشی در مقدمه بیان کرد: تاریخ‌نگاری به طرق مختلف بر هویت دینی، ملی و نیز آینده آن امت یا ملت و عملکرد آنها تأثیر مگذارد. از تأثیرات آن عبارت است از:

تاریخ‌نگاری به روایت‌ها و تفسیرهای تاریخ دینی یک امت شکل داده و بر درک جوامع دینی و از خود

جا بگاه خود در جهان تأثیر می‌گذارد.

تاریخ‌نگاری بر تداوم سنت‌ها و اعمال دینی در طول زمان و عملکرد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن امت کمک می‌کند.

تاریخ‌نگاری مبنای برای مرجعیت آموزه‌ها و متون دینی و زیربنای باورها را به دست می‌دهد.

تاریخ‌نگاری به تمایز امت از سایر گروه‌های مذهبی و تعیین مرزهای دینی و تمیز دوست‌ها از دشمن‌ها کمک می‌کند.

در مجموع، تاریخ‌نگاری با ارائه روایت‌ها و تفاسیر تاریخی که زیربنای باورها و اعمال دینی است، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت دینی ایفا می‌کند.

وقتی کتاب‌ها یی که در ۲۰ سال گذشته در غرب پیرامون اسلام نوشته شده یا چاپ شده و به نحو مستقیم یا غیر مستقیم درباره تاریخ اسلام و قران سخن می‌گویند به بیش از ۸۰۰۰ می‌رسد دلیل بر این است که دشمنان بر تاریخ نگاری اسلام و قران تمرکز کرده و بدنبال تغییر هویت و اعتقادات و عملکرد مسلمانان و خصوصاً شیعه هستند تا آینده آنان را نیز تغییر دهند.

نظریه‌پردازی‌های زیربنایی کتاب قران مورخان، خصوصاً در ۲۰ سال گذشته، در این مسیر ارزیابی می‌شوند. و اینکه پژوهشگاه تقریب مذاهب به این پژوهه پرداخته است برای حفظ هویت اسلامی مسلمانان و از جمله وحدت و یکپارچگی آنان است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین برای بیزدی سخن خود را با آیه ۱۱۲ سوره انعام آغاز کرد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسَانِ وَالْجِنِّ يُوحِي بِعَضُّهُمْ إِلَيْهِ بَعْضٌ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوا فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» و پس از ارایه بحث خود و در پایان، کتاب قرآن مورخان را از آثار زخرف القول برشمرد.

ایشان با توجه به توصیف مجموعه نگارنده کتاب قرآن مورخان از این اثر که گفته‌اند: «ما در این اثر قرآن‌پژوهی را به سبک تاریخی انتقادی میان‌رشته‌ای انجام داده‌ایم»، گفت: واژه‌های این ادعا باید مورد بحث قرار گیرد؛ زیرا در این عبارت اصطلاحاتی به‌کاررفته که در عمل مغایر با خروجی کتاب است؛

از این‌رو ابتدا باید واژگان علم، انتقاد، تاریخ، میان‌رشته‌ای تعریف شوند. ایشان بدون رعایت معنا و تعریف اصطلاحات، ادعای خود را مطرح کرده‌اند؛ درحالی‌که کاملاً مغایر تعاریف خود عمل نموده‌اند؛ پس نتیجه‌ای که ادعا می‌کنند به دست آورده‌اند از وجاهت علمی برخوردار نخواهد بود.

آقای براتی یزدی اشکالاتی را به شیوه روایت‌های تاریخی این کتاب و نظایر آن وارد دانست و ضمن بیان دیدگاه گردآورندگان کتاب قرآن مورخان، اشکال آن ادعاهای را تبیین نمود:

ادعا‌های نویسنده‌گان و گردآورندگان اثر قرآن مورخان:

ما درباره قرآن مطالعه‌ای کرده‌ایم و اثربه وجود آورده‌ایم؛

ما با روش تاریخی انتقادی قرآن را بررسی کرده‌ایم؛

از آنجا که نگاه ما به قرآن، نگاه مؤمنانه و همدلانه نیست، منابع مسلمان را قبول نداریم و فقط از منابع مخالفین استفاده می‌کنیم؛

این اثر، میان‌رشته‌ای است. برای دانستن اینکه این متن از کجا پیدا شده و سرچشمه آن کجا بوده و سیر تحولی تدوین این متن چه بوده است و برای اینکه بتوانیم پشت پرده و زمانه و تاریخ و اهداف و انگیزه‌ها یش را بررسی کنیم، به روش جدیدی ورود کرده‌ایم و غیر از تاریخ از چند رشتۀ دیگر هم استفاده کرده‌ایم ما نند؛ باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، نسخه‌شناسی...؛

آثار و شواهد مختلفی در علوم مختلف دال بر مدعای ما وجود دارد؛

تمام موضوعات قابلیت نقد علمی دارند، از این‌رو باید در نقد قرآن و متون مقدس همکاری کرد.

جواب‌های استاد براتی یزدی:

برخلاف ادعای مطرح شده، این کتاب تولید اثر نبوده و در واقع مقالاتی جمع‌آوری شده و برای این مقالات هم تبیین مقدماتی صورت نگرفته است. این روش جدیدی است به عنوان book Open؛ فصل‌ها را انتخاب می‌کند و باز می‌گذارد تا هر که می‌خواهد در نوشتمن آن مشارکت کند؛ با این‌حال آنها برای

این اثر گردآوری شده، حتی تمهید مقدمه هم نکرده‌اند و فقط مقالات از قبیل نوشته شده و هماهنگ با مطلوب خودشان را گردآوری نموده‌اند.

این سخن که می‌گویند ما قرآن را تاریخی انتقادی بحث کرده‌ایم در واقع تعارض درونی دارد و با توجه به شناختی که از دشمنان داریم سخنی فریبکارانه است برای خصمانه عمل‌کردن و علمی جلوه‌دادن عملشان؛ زیرا:

الف: تاریخ و بحث تاریخی یعنی کاری علمی برای بررسی وقایع ثبت شده و جمع‌بندی اقوال مختلف برای تشخیص حقیقت و واقعیت موضوع مورد نظر، بدون پیش‌داوری و دلالت رأی و نظر و حب و بغض شخص.

ب: انتقاد نزد ما مشرق‌ها یعنی سوا کردن و تشخیص سره از ناسره؛ اما نزد غرب‌ها به معنی زیر سؤال بردن چیزی است که از آن خوشنان نمی‌آید و در فرهنگ لغاتشان نیز این‌چنین معنا شده. به تعبیر بهتر علمی با موضوع رفتار نمی‌کنند؛ بلکه مبنی بر بغض شخصی تلاش برای نفی آن نمی‌کنند.

= در نتیجه طبق تعریف خودشان، جمع وازگان تاریخی انتقادی، جمعی متعارض است.

ادعای آنها مبنی بر تاریخی بودن تحقیقات انجام شده در این کتاب، باطل است؛ زیرا در بحث تاریخی همه جوانب موافق و مخالف موضوع مورد بررسی فرار می‌گیرد و باید از آن‌ها که نزدیک به پدیده بوده‌اند تحقیق صورت گیرد، مثلاً شکسپیر را در زاپن جستجو نمی‌کنند؛ ولی در این کتاب فقط آثار مخالفین اسلام و قرآن مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است.

علاوه بر این، اگر تحقیقات و نظرات مسلمانان را قبول ندارند، می‌توانستند به آراء مستشرقان دیگری که پس از تحقیقات علمی، موافق قرآن شده‌اند مراجعه کنند. مثلاً: دکتر هانری کربن که اینها ادعای شاگردی او را دارند نکات مثبتی از قرآن یافته و ذکر کرده است و یا دکتر حسین عبدالهی خوروش، تک‌نفره، مطالعه کرد و به دو هزار نفر از مستشرقین رسید که مادح و عاشق قرآن بوده‌اند.

آنها مدعی شده‌اند این اثر میان‌رشته‌ای است و از چند رشتۀ علمی به روش تاریخی انتقادی برای بررسی قرآن بهره گرفته‌اند؛ ولی بنده معتقدم حدود ۷۰ رشتۀ را مدنظر قرار داده‌اند؛

آنها باید علوم و رشتۀ‌های، ادعایی را نام ببرند و کاربرد علوم در این اثر را مشخص کنند و باید

از متخصصین آن علوم در اثبات مدعی استفاده کنند. متخصصین نیز تا جایی که توان علمی دارند باید سخن بگویند.

متأسفانه، علی‌رغم عدم بیان رشته‌های ادعایی، از این علوم طبق قواعد علمی استفاده نکرده‌اند. توضیح اینکه به‌عنوان مثال: باید معلوم شود که آیا علوم عقلی که حسی نیستند را جزء رشته‌های علمی محسوب می‌کنند یا نه؟ جواب این است که تعریف آنها از علم و علمی بودن، عبارت است از: هر چیزی که قابل تجربه و حس باشد؛ درحالی‌که علم کلام و فلسفه عقلی محض هستند و قابل حس و تجربه نیستند؛ پس علم کلام رشته علمی نیست. با توجه به اینکه ادعا شده از تاریخ مادی استفاده کرده‌اند، در حیطه صلاحیت ایشان نیست که بگویند قرآن از جانب خدا نیست؛ چون این یک مطلب کلامی است و طبق تعریف آنها هیچ علمی نمی‌تواند برای علم دیگر نتیجه‌گیری کند.

بر فرض علمی بودن کتاب قرآن مورخان، با توجه به قطعی نبودن نتایج تحقیقات علمی آن‌گونه که مبنای آنهاست، شواهد آنها و نتایج حاصله برای اثبات مدعی کافی نیست.

مدعی هستند که به کتبیه‌ها، نسخه‌ها و آثار باستانی مراجعه کرده‌اند؛ ولی در همین کتاب اعتراف کرده‌اند که چیز چندانی از این آثار وجود ندارد تا بتوانیم تاریخ‌نگاری کنیم و این حرف عجیبی است؛ زیرا وقتی سند چندانی در دست ندارند چگونه در مورد قرآن قضاؤت تاریخی می‌کنند؟ آنها با بوق و تبلیغات، دو فرن یک چیز را تبلیغ کنند هرچند شواهد وجود نداشته باشد. مثل نظریه داروین که حلقه‌ها یش کامل نشده است؛ ولی به واسطه‌اش همه را کنار می‌زنند. خود داروین چنین معتقد نبود که خدا را رد کرده است.

از آنجا که مدعی قابلیت نقد هر موضوع و پدیده‌ای هستند و باید بر آن همت گماشت، از آنها خواستیم تا در جلسات نقد کتاب قرآن مورخان شرکت کنند و با ما در این نقد همکاری کنند؛ ولی از این کار سر باز زدند و گفتند ما این کار را نمی‌کنیم؛ زیرا به صلاح ما نیست.

این کتاب تقریبی و به دنبال شناخت متقابل درست شرق و غرب از یکدیگر و حقیقت‌یا بی نیست؛ بلکه خیلی پوپولیستی و عوام‌فریب‌انه و بر اساس انتقاد به معنی غرض‌ورزی گردآوری شده است.

امیر معزی اسمش ایرانی است؛ ولی از سیزده‌سالگی در اروپا زندگی کرده و شخصیت و نگاهش در غرب شکل‌گرفته است که با ذکاوت او را جلو انداخته‌اند تا کتاب اثری درون شیعی معرفی شود.

این کتاب، نه مورد قبول دانشمندان بوده است و نه مورد قبول عوام. ۵ سال از انتشار کتاب می‌گذرد؛ اما استقبال چندانی از آن نشده است. یک نفر کتاب را نقد کرد و بعداً<sup>۱</sup> چند سایت دیگر نقد کردند و من هم نقد کردم؛ هیچ جوابی ندادند و اظهارنظر هم نکردند. کسی که نقد می‌کند باید پای نقدش باشد.



